

Research
Article

Predicting Substance Use Tendency Based on Parent-Child Relationship Patterns, Emotional Control, and Emotional Processing in Adolescents

Kimia Nahvi¹, Alireza Shokrgozar², Maryam Mashayekh³

Received: 2025/03/09

Accepted: 2026/08/25

Abstract

Objective: The present study aimed to predict substance use tendency based on parent-child relationship patterns (including father-child and mother-child relationship patterns), emotional control, and emotional processing in adolescents. **Method:** The present study was a cross-sectional descriptive-correlational design. The statistical population of the present study comprised 14- to 18-year-old adolescents in District 3 of Tehran. From this population, a sample of 200 adolescents was selected using convenience sampling. Participants completed the research instruments included the addiction readiness questionnaire, the parent-child relationship scale, the affective control scale, and the emotional processing scale. The data were analyzed using Pearson's correlation and multiple regression methods. **Results:** The results of multiple regression analysis indicated that the quality of father-child and mother-child relationship patterns were significant negative predictors of substance use tendency among adolescents, whereas emotional control and emotional processing served as positive predictors. Together, these variables accounted for 38% of the variance in substance use tendency in adolescents. **Conclusion:** These findings underscore the critical role of parent-child relationship quality and emotional skills, specifically emotional control and processing, in preventing substance involvement in adolescents. Consequently, designing psychological interventions aimed at equipping parents to enhance parent-child relationships, as well as training adolescents in efficient emotional control and processing, may prove effective in preventing substance use among at-risk adolescents.

Keywords: Emotional control, Emotional processing, Parent-child relationship pattern, Substance use

1. MA Student, Department of Clinical Psychology, Ka. C, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Health and Clinical Psychology, Ka. C, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: dralirezashokrgozar@yahoo.com

3. Associate Professor, Research Center for Studies and Strategic Planning of Social Sciences, Ka. C, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد بر اساس الگوی ارتباط والد-فرزندی، کنترل عاطفی و پردازش هیجانی در نوجوانان

کیما نحوی^۱، علیرضا شکرگزار^۲، مریم مشایخ^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد بر اساس الگوی ارتباط والد-فرزند (شامل الگوی ارتباط پدر-فرزند و الگوی ارتباط مادر-فرزند) کنترل عاطفی و پردازش هیجانی در نوجوانان انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر یک طرح مقطعی توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل نوجوان ۱۴ تا ۱۸ ساله منطقه ۳ تهران بود. از این بین، نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نوجوان به شیوه در دسترس انتخاب شد. شرکت‌کنندگان ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه گرایش به اعتیاد، مقیاس کیفیت رابطه والد-فرزند، پرسش‌نامه کنترل عاطفی و پرسش‌نامه پردازش هیجانی را تکمیل کردند. داده‌ها با روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که کیفیت الگوی ارتباط پدر-فرزند و الگوی ارتباط مادر-فرزند پیش-بینی‌کننده‌های منفی معنادار گرایش به مصرف مواد در نوجوانان بودند، در حالی که دو متغیر کنترل عاطف و پردازش هیجانی پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت بودند. این متغیرها به طور همزمان توانستند ۳۸ درصد از واریانس گرایش به مصرف مواد را در نوجوانان تبیین کنند. **نتیجه‌گیری:** نتایج بر اهمیت کیفیت روابط والد-فرزندی و مهارت‌های هیجانی نظیر کنترل عاطفی و پردازش هیجانی در پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان تأکید دارد. بنابراین، طراحی مداخلات روان‌شناختی جهت آموزش والدین برای بهبود کیفیت روابط والد-فرزندی و آموزش نوجوانان در راستای کنترل عاطفی و پردازش هیجانی کارآمد مهارت‌های هیجانی در نوجوانان می‌تواند در پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر برای مصرف مواد موثر باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی ارتباط والد-فرزندی، پردازش هیجانی، کنترل عاطفی، مصرف مواد

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی سلامت و بالینی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
پست الکترونیک: dralirezashokrgozar@yahoo.com
۳. دانشیار، مرکز تحقیقات مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی علوم اجتماعی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

اختلالات مصرف مواد^۱ به عنوان یکی از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین آسیب‌های اجتماعی عصر کنونی نه تنها بنیاد خانواده را متزلزل می‌سازد، بلکه کارکردهای کلان اقتصادی، نظام سلامت عمومی، سرمایه‌های فرهنگی و انسجام اجتماعی جوامع را با تبعات جدی و چندوجهی روبه‌رو کرده است (فیگوئیراس - ویلا^۲ و همکاران، ۲۰۲۵). بر اساس گزارش‌های سازمان ملل، بیش از ۲۲۰ میلیون نفر در سراسر جهان از اختلالات مرتبط با مصرف مواد رنج می‌برند و تخمین زده می‌شود که در ایران حداقل ۳/۱ میلیون نفر به مصرف مواد وابستگی دارند (خوانساری و همکاران، ۱۴۰۴؛ محقق و همکاران، ۱۴۰۵). نوجوانی به عنوان یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تحولی با چالش‌های هویتی، اجتماعی و هیجانی همراه است و شواهد همه‌گیرشناختی نشان می‌دهند که ۹ نفر از هر ۱۰ نفر بزرگسال درگیر اختلالات مصرف مواد نخستین تجربه خود را پیش از ۱۸ سالگی داشته‌اند و در ایران ۱۶ درصد از مصرف‌کنندگان مواد زیر ۱۹ سال هستند (قربانعلی‌پور و همکاران، ۲۰۲۵). این آمار هشداردهنده ضرورت کاوش در عوامل پیش‌بینی‌کننده گرایش به مصرف مواد در جمعیت نوجوانان را بیش از پیش آشکار می‌سازد، به‌ویژه آن‌که پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند گرایش به مصرف مواد در نوجوانان با تغییرات عصبی-رشدی، حساسیت به پاداش و نارسایی‌های شناختی-هیجانی در این دوره تحولی ارتباط تنگاتنگی دارد (رایشرت^۳ و همکاران، ۲۰۲۵؛ سینگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۶).

مرور نظام‌مند پیشینه نشان می‌دهد که خانواده به عنوان نخستین و اثرگذارترین بستر جامعه‌پذیری نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به الگوهای رفتاری و هیجانی نوجوانان ایفا می‌کند. خانواده نه تنها منبع اولیه دلبستگی و امنیت عاطفی است، بلکه کیفیت ارتباط والد-فرزندی^۵ به عنوان یک سازوکار یادگیری اجتماعی توانایی نوجوان را در تنظیم هیجانات، تفسیر نشانه‌های اجتماعی و انتخاب راهبردهای مقابله‌ای تعیین می‌کند (تایسس^۶ و همکاران، ۲۰۲۳). یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که والدین دارای الگوی ارتباطی

1. substance use disorders
2. Folgueiras-Vila
3. Reichert

4. Singh
5. parent-child relationship quality
6. Theiss

مبتنی بر پاسخ‌دهی و حمایت‌گری به طور معناداری با کاهش مشکلات تنظیم هیجانی و رفتارهای تکانشی در نوجوانان مرتبط هستند، در حالی که الگوهای ارتباطی آمیخته با کنترل افراطی، طرد و بی‌توجهی هیجانی مسیرهای خطرآفرینی را برای نوجوانان ایجاد می‌نماید (شاگری و همکاران، ۱۴۰۴؛ قربانعلی‌پور و همکاران، ۲۰۲۵). مرور نظام‌مند اوسارهایاکمین^۱ و همکاران (۲۰۲۵) نیز نشان داد که بی‌توجهی هیجانی، اختلال عملکرد خانواده و مصرف مواد توسط والدین از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش به مصرف مواد در نوجوانان هستند. کارا و کاراکایا^۲ (۲۰۲۶) نیز در مرور نظام‌مند خود تأکید کردند که عوامل زمینه‌ای و بافتاری از جمله الگوی ارتباط خانوادگی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مصرف مواد در نوجوانان محسوب می‌شوند. بررسی‌های عصب‌شناختی معاصر نشان می‌دهد نوجوانانی که تحت تأثیر هیجانات منفی والدین قرار دارند، الگوهای فعالیتی متفاوتی در سیستم برجستگی مغز بروز می‌دهند که این امر با ناکارآمدی در تنظیم هیجان و بالا رفتن احتمال مصرف مواد در ارتباط است (کاپلین^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، برگر^۴ و همکاران (۲۰۲۶) در مرور خود بر ادبیات رشدی و والدگری تأکید کردند که کیفیت ارتباط والد-فرزند یکی از مهم‌ترین حلقه‌های واسط در پیشگیری از انتقال بین‌نسلی گرایش به مصرف مواد محسوب می‌شود و مداخلات متمرکز بر بهبود این ارتباط می‌تواند از بروز اختلال در نسل بعد جلوگیری نماید.

علاوه بر الگوی ارتباطی، سازه کنترل عاطفی^۵ به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین خودتنظیمی نقشی محوری در تبیین آسیب‌پذیری‌های رفتاری نوجوانان ایفا می‌کند. این سازه که به توانایی تشخیص، تمایز و تعدیل پاسخ‌های هیجانی در موقعیت‌های گوناگون اشاره دارد به مثابه یک مهارت فراشناختی امکان انتخاب راهبردهای مقابله‌ای کارآمد را فراهم می‌آورد (وبر و لینچ^۶، ۲۰۲۶). شواهد پژوهشی مؤید آن است که سطح پایین کنترل عاطفی که از ناتوانی در تحمل پریشانی و تنظیم مؤثر هیجانات نشأت می‌گیرد به عنوان

1. Osarhiaekhimen
2. Kara & Karakaya
3. Chaplin

4. Berger
5. affective control
6. Weber & Lynch

یک مسیر خطر در شروع و تداوم مصرف مواد عمل می کند (کرتین^۱ و همکاران، ۲۰۲۵؛ بوون^۲ و همکاران، ۲۰۲۶). در همین زمینه، محقق و همکاران (۱۴۰۵) نقش میانجی سازمان شخصیت را در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و استعداد اعتیاد مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که سبک‌های دلبستگی ناایمن که ریشه در الگوهای ارتباطی ناکارآمد والد-فرزندی دارند با تضعیف کنترل عاطفی و افزایش گرایش به مصرف مواد همراه هستند. همچنین، بررسی‌های عصب‌شناختی اخیر گویای تفاوت‌های جنسیتی چشمگیر در واکنش‌های مغزی نسبت به هیجانات والدین و پیوند آن با تنظیم هیجانی و مصرف مواد است، یافته‌ای که بر اهمیت واکاوی دقیق‌تر مکانیسم‌های عصبی-هیجانی اثرگذار بر تمایل به مصرف مواد تأکید می‌ورزد (شیلینگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۵). مطالعات جمعیت‌شناختی نیز نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی-بوم‌شناختی^۴ و الگوهای رفتاری خصوصاً در جمعیت‌های دانشجویی و نوجوانان سهم مهمی در شکل‌گیری و تداوم مصرف مواد دارند و کنترل عاطفی به عنوان یک عامل محافظتی درون‌فردی می‌تواند پیامدهای منفی متغیرهای محیطی را تعدیل نماید (جان^۵ و همکاران، ۲۰۲۶).

پردازش هیجانی^۶ به عنوان یک سازوکار درون‌داد-برون‌داد در نظام هیجانی به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن آشفتگی‌های هیجانی تعدیل و تخلیه می‌شوند تا رفتارهای انطباقی تسهیل گردند. انتخاب سبک‌های ناکارآمد در پردازش هیجانی شامل سرکوب، اجتناب و عدم کنترل با افزایش آسیب‌پذیری نسبت به مشکلات هیجانی و رفتاری از جمله مصرف مواد ارتباط مثبت و معناداری دارد (خوانساری و همکاران، ۱۴۰۴؛ محمدامینی و همکاران، ۱۴۰۵). خوانساری و همکاران (۱۴۰۴) در تبیین مدل پیش‌بینی گرایش نوجوانان به مصرف مواد براساس کیفیت زندگی خانواده نشان دادند که سبک‌های تنظیم هیجان نقش کلیدی در این رابطه ایفا می‌کنند و نوجوانانی که از سبک‌های ناکارآمد تنظیم هیجان (مانند سرکوب و اجتناب) استفاده می‌کنند در معرض خطر بیشتری برای گرایش به مصرف مواد قرار دارند. در همین راستا، محمدامینی و

1. Chrétien
2. Bowen
3. Schilling

4. socioecological determinants
5. John
6. emotional processing

همکاران (۱۴۰۵) اثبات کردند که بدرفتاری دوران کودکی گرایش به مصرف مواد را در نوجوانان از طریق پریشانی روان‌شناختی پیش‌بینی می‌کند. این یافته مؤید آن است که تجارب اولیه ناکارآمد سیستم پردازش هیجانی را به گونه‌ای شکل می‌دهند که فرد در مواجهه با تنش‌ها به راهبردهای مقابله‌ای ناسالم از قبیل مصرف مواد روی می‌آورد. پژوهش‌های نوین عصب‌شناختی نیز گویای آن است که نوجوانان دارای سابقه خانوادگی مصرف مواد الگوهای متفاوتی از پویایی فعالیت مغزی را در نواحی مرتبط با پردازش هیجانی و کنترل شناختی نشان می‌دهند که می‌تواند توجیه‌گر افزایش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر مواد باشد (شیلینگ و همکاران، ۲۰۲۵). به علاوه، یافته‌های کیفی اخیر حاکی از آن است که الگوهای کنترل والدینی به‌ویژه شیوه‌های ناکارآمد و سخت‌گیرانه پیامدهای منفی بر سلامت روانی و اجتماعی فرزندان دارند و برنامه‌های آموزشی والدین برای مدیریت روابط خانوادگی و کاهش رفتارهای کنترلی به پیشگیری از گرایش به مصرف مواد در جوانان کمک شایانی خواهد کرد (شاکری و همکاران، ۱۴۰۴).

با وجود انبوهی از مطالعات انجام‌شده در حوزه مصرف مواد و عوامل مرتبط با آن، کماکان شکاف‌های نظری و تجربی قابل توجهی در تبیین همزمان و تعاملی عوامل بافتی-رابطه‌ای (الگوی ارتباطی والد-فرزند) و عوامل خودتنظیمی درون‌فردی (کنترل عاطفی و پردازش هیجانی) در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد در جمعیت نوجوانان به چشم می‌خورد. مرور نظام‌مند پیشینه نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها به بررسی تک‌تک این متغیرها به‌صورت مجزا پرداخته‌اند و کمتر مطالعه‌ای به مدل‌سازی همزمان و تعامل این سه سازه در قالب یک مدل پیش‌بین جامع توجه داشته است (کارا و کاراکایا، ۲۰۲۶). افزون بر این، تمرکز بیشتر پژوهش‌های داخلی بر جمعیت بزرگسال یا گروه‌های بالینی بوده و جمعیت نوجوانان به عنوان گروهی با ویژگی‌های تحولی و آسیب‌پذیری‌های خاص کمتر مورد کاوش قرار گرفته‌اند (بیگی و همکاران، ۱۴۰۴؛ پیشه‌ور مفرد و همکاران، ۱۴۰۴). مطالعات جدید نشان می‌دهند که عوامل خطر در نوجوانان با متغیرهای مرتبط با بزرگسالان تفاوت‌های اساسی دارد. نوجوانی دوره‌ای است که تأثیرپذیری از عوامل محیطی و هیجانی به اوج می‌رسد و همزمان، سیستم‌های عصبی مرتبط با خودتنظیمی هنوز به بلوغ کامل

نرسیده‌اند (رایشرت و همکاران، ۲۰۲۵؛ سینگ و همکاران، ۲۰۲۶). شواهد دیگری نیز تأیید می‌کنند که سابقه خانوادگی مصرف مواد به عنوان یک عامل خطر قوی تأثیر عوامل محیطی همچون ارتباط والد-فرزندی و کنترل عاطفی را تعدیل می‌کند، به طوری که در نوجوانان دارای سابقه خانوادگی تأثیر الگوی ارتباطی ناکارآمد بر گرایش به مواد تشدید می‌گردد (وود^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). ماتی-مورا^۲ و همکاران (۲۰۲۶) نیز نشان دادند که ترکیب متغیرهای روانی-اجتماعی با شاخص‌های عصب‌شناختی قدرت پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد و این یافته بر ضرورت رویکردهای چندبعدی در پیش‌بینی و پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان تأکید دارد.

شکاف پژوهشی دیگر به فقدان مطالعات بومی و مبتنی بر ابزارهای معتبر و هنجاری شده در جمعیت نوجوانان ایرانی بازمی‌گردد. پژوهش‌های اندکی که در این حوزه انجام شده‌اند غالباً از ابزارهای غیربومی یا غیراستاندارد استفاده کرده‌اند که تعمیم‌پذیری نتایج را با چالش مواجه می‌سازد. در همین راستا، با عنایت به تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی و فناورانه در سال‌های اخیر و تغییر الگوهای مصرف مواد در میان نسل جدید، ضرورت به‌روزرسانی دانش موجود و ارائه مدل‌های پیش‌بین مبتنی بر متغیرهای روان‌شناختی معاصر بیش از پیش احساس می‌شود. شواهد جدید نشان می‌دهند که سبک‌های پردازش هیجانی نقشی کلیدی در تداوم یا ترک مصرف مواد ایفا می‌کنند و افراد دارای نارسایی در این حوزه خطر عود بیشتری پس از درمان دارند (محمدامینی و همکاران، ۱۴۰۵؛ بیگی و همکاران، ۱۴۰۴). بیگی و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه خود نشان دادند که آموزش خودشفابخشی بر عدم تحمل ناکامی در افراد تحت درمان نگهدارنده متادون مؤثر بوده و این یافته بر اهمیت توجه به متغیرهای خودتنظیمی در مداخلات بالینی تأکید دارد. از سوی دیگر، پژوهش‌های جدید گویای آن است که رفتار مصرف مواد با طیف گسترده‌ای از اختلالات روان‌پزشکی همبودی دارد و درک مکانیسم‌های مشترک آسیب‌پذیری از جمله نارسایی‌های پردازش هیجانی می‌تواند به طراحی مداخلات یکپارچه‌تر کمک کند

(نیکلسون^۱ و همکاران، ۲۰۲۶؛ هال^۲ و همکاران، ۲۰۲۶). افزون بر این، بررسی مؤلفه‌های مرتبط با بافتار زیست-محیطی نشان می‌دهد که الگوهای رفتاری و بستر اجتماعی خصوصاً در جمعیت‌های دانشجویی و نوجوانان نقش مؤثری در شکل‌گیری و تداوم مصرف مواد دارند و این موضوع لزوم رویکردهای پیشگیرانه چندسطحی را آشکار می‌سازد (جان و همکاران، ۲۰۲۶). پژوهش‌های جمعیت‌شناختی اخیر نیز نشان داده‌اند که تجارب نامطلوب دوران کودکی و پریشانی روان‌شناختی با گرایش به مصرف مواد در جمعیت‌های مختلف مرتبط هستند و این ارتباط تحت تأثیر جنسیت و عوامل بافتاری قرار می‌گیرد (کلینتون^۳ و همکاران، ۲۰۲۶).

اجرای این مطالعه از دو جنبه حائز اهمیت است: در گام نخست، با توجه به شیوع روزافزون مصرف مواد در نوجوانان و تأکید سازمان بهداشت جهانی بر شناسایی دقیق زنجیره علّی عوامل خطر و محافظت برای طراحی مداخلات پیشگیرانه مؤثر (کارا و کاراکایا، ۲۰۲۶)، شناسایی و تبیین متغیرهای پیش‌بین و سازوکارهای تأثیرگذار بر گرایش به مصرف مواد گامی اساسی محسوب می‌شود، به‌ویژه آنکه نوجوانان به عنوان جمعیت هدف در پژوهش‌های حوزه مصرف مواد کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و مطالعات نوین نقش کیفیت ارتباط خانوادگی، حمایت اجتماعی و آموزش تنظیم هیجانی را در کاهش استعداد اعتیاد تأیید کرده‌اند (کلبی^۴ و همکاران، ۲۰۲۶)، افزون بر اینکه برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر شخصیت نیز نتایج امیدوارکننده‌ای در بلندمدت نشان داده‌اند (کانرود^۵ و همکاران، ۲۰۲۵). در گام دوم، این مطالعه از منظر نظری به تدوین و آزمون فرضیه‌ای می‌پردازد که نقش سه‌گانه الگوی ارتباط والد-فرزندی، کنترل عاطفی و پردازش هیجانی را به صورت توأمان در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد بررسی می‌کند و شکاف پژوهشی موجود در فقدان مدلی جامع را پر می‌نماید (فیش‌باین و راس^۶، ۲۰۲۵). علاوه بر جنبه‌های نظری، یافته‌های کاربردی این مطالعه به متخصصان کمک می‌کند تا در تشخیص و مداخله توجه ویژه‌ای به این متغیرهای کلیدی داشته باشند و برنامه‌های درمانی خود را

1. Nicholson
2. Hall
3. Clinton

4. Çelebi
5. Conrod
6. Fishbein & Rose

هدفمندتر طراحی نمایند (کاسوبوسکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۶). مضاف بر موارد یادشده، تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که رابطه بین مصرف مواد و خشونت در نوجوانی به شدت تحت تأثیر پویایی‌های عاطفی و رابطه‌ای قرار دارد و درک این تعاملات می‌تواند به طراحی مداخلات جامع‌تر در این حوزه کمک شایانی نماید (لونگا^۲ و همکاران، ۲۰۲۶). با توجه به مطالب فوق، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا الگوی ارتباطی والد-فرزند، کنترل عاطفی و پردازش هیجانی به‌طور همزمان قادر به پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد در نوجوانان هستند؟

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

طرح پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال ساکن منطقه ۳ شهر تهران بود که در پاییز سال ۱۴۰۳ عضو کانال‌های تلگرامی «اخبار مدارس» و «من و درسام» بودند. مجموع اعضای این دو کانال در زمان اجرای پژوهش ۳۷۰ هزار نفر برآورد گردید. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. با توجه به حجم جامعه، ابتدا حجم نمونه اولیه با استفاده از فرمول پلنت ($n=50+8m$) محاسبه گردید، که براساس آن تعداد ۱۴۶ به دست آمد. با در نظر گرفتن احتمال حذف پاسخ‌های ناقص یا داده‌های پرت در مرحله پالایش داده‌ها، حجم نمونه نهایی به ۲۰۰ نفر افزایش یافت تا کفایت آماری مدل‌های رگرسیونی تضمین گردد.

معیارهای ورود به پژوهش شامل دامنه‌ی سنی ۱۴ تا ۱۸ سال (بر اساس خود گزارش دهی)، جنسیت مؤنث، سکونت در منطقه‌ی ۳ شهر تهران در زمان اجرای پژوهش، عضویت در یکی از کانال‌های تلگرامی «اخبار مدارس» یا «من و درسام»، و تمایل آگاهانه برای مشارکت در پژوهش بود. معیارهای خروج نیز شامل تکمیل ناقص پرسش‌نامه‌ها (بیش از ۱۰ درصد گویه‌های بی‌پاسخ)، ارائه‌ی الگوی پاسخ‌دهی یکنواخت یا سیستماتیک (مانند انتخاب یک گزینه در تمامی گویه‌ها) که حاکی از پاسخ‌دهی

غیردقیق یا سطحی باشد، زمان پاسخ‌دهی کمتر از ۵ دقیقه (به عنوان نشانه‌ی سطحی‌نگری یا پاسخ‌دهی تصادفی) چراکه معیار زمان پاسخ‌دهی براساس مطالعه‌ی راهنما (پایلوت) بر روی ۲۰ نفر از واجدین شرایط حداقل ۱۵ دقیقه برآورد گردید، و انصراف داوطلبانه در هر مرحله از پژوهش بود.

فرایند نمونه‌گیری در بازه‌ی زمانی ۱۵ مهر تا ۱۵ آذر ۱۴۰۳ به‌شیوه‌ی ذیل اجرا شد. پژوهشگر با جست‌وجوی نظام‌مند در نرم‌افزار پیام‌رسان تلگرام فهرستی از کانال‌های دارای مخاطبان نوجوان را شناسایی نمود و از میان کانال‌های واجد شرایط (با حداقل ۵۰ هزار عضو فعال) دو کانال به کمک روش تصادفی ساده انتخاب گردیدند. پس از اخذ هماهنگی رسمی با مدیران (ادمین‌های) کانال‌های مذکور و تأیید محتوای ابزار توسط ایشان، لینک پرسش‌نامه‌ی الکترونیکی که در بستر گوگل‌فرم^۱ طراحی شده بود در کانال‌ها منتشر گردید. پیش از آغاز پاسخ‌دهی، صفحه‌ی راهنما شامل شرح کامل اهداف پژوهش، تضمین محرمانگی داده‌ها، تأکید بر داوطلبانه بودن مشارکت، و معیارهای ورود (سن ۱۴ تا ۱۸ سال و جنسیت مؤنث) درج گردید و از پاسخ‌دهندگان خواسته شد در صورت عدم تطابق با شرایط از تکمیل پرسش‌نامه خودداری نمایند. متوسط زمان مورد نیاز برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها براساس مطالعه‌ی راهنما بر روی ۲۰ نفر از واجدین شرایط ۱۵ تا ۲۰ دقیقه برآورد گردید که این زمان در ابتدای لینک به مشارکت‌کنندگان اطلاع‌رسانی شد. پس از پایان بازه‌ی جمع‌آوری داده‌ها (به مدت ۴ هفته متوالی)، خروجی پاسخ‌های ثبت شده به صورت فایل اکسل از سامانه استخراج گردید. در مرحله‌ی بعد، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۶ مورد پالایش اولیه قرار گرفتند. بدین ترتیب که پرسش‌نامه‌های دارای بیش از ۱۰ درصد پاسخ‌دهی ناقص، پاسخ‌های یکنواخت (انحراف معیار صفر)، و زمان پاسخ‌دهی کمتر از ۵ دقیقه از تحلیل حذف گردیدند. در نهایت، به منظور تحلیل داده‌های پالایش‌شده ابتدا شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) برای توصیف ویژگی‌های نمونه محاسبه گردید. سپس، برای بررسی روابط بین متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون و به منظور آزمون پیش‌بینی‌پذیری متغیرها مدل رگرسیون خطی

چند گانه به روش ورود همزمان به کار گرفته شد. تمامی تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ی ۲۶ انجام پذیرفت.

پژوهش حاضر با رعایت کامل موازین اخلاقی مندرج در آیین نامه ی پژوهش های علوم رفتاری انجام شد. پیش از شروع پاسخ دهی، تمامی شرکت کنندگان از ۱) اهداف علمی پژوهش، ۲) محرمانگی کامل داده ها و هویت افراد، ۳) عدم شناسایی پاسخ ها به صورت فردی، و ۴) داوطلبانه بودن مشارکت و امکان انصراف در هر مرحله مطلع گردیدند و با ورود به صفحه ی پرسش نامه رضایت آگاهانه ی خود را به صورت ضمنی اعلام نمودند. همچنین، تمامی داده ها صرفاً به صورت تجمیعی و با کد گذاری عددی (بدون شناسه های فردی نظیر نام، شماره تماس یا آدرس) ذخیره و تحلیل شدند و پس از اتمام پژوهش، فایل اصلی داده ها از سیستم پژوهشگر حذف گردید تا اصل محرمانگی به طور کامل رعایت شده باشد.

ابزار

۱- پرسش نامه گرایش به مصرف مواد^۱: این ابزار توسط وید^۲ و همکاران (۱۹۹۲) طراحی و اعتباریابی شده است. این پرسش نامه خود گزارش دهی که بر پایه پرسش نامه چندوجهی شخصیت مینه سوتا استخراج شده است و شامل زیرمقیاس های آمادگی برای اعتیاد، اعتراف به اعتیاد و الکلیسم است. در پژوهش حاضر، جهت سنجش میزان گرایش به اعتیاد در نوجوانان از زیرمقیاس آمادگی برای اعتیاد با ۳۹ گویه استفاده شد. پاسخ دهندگان به هر گویه در دو گزینه بله (۱ امتیاز) یا خیر (۰ امتیاز) پاسخ دادند. ضریب آلفای کرونباخ این ابزار در مطالعات اولیه توسط سازندگان ۰/۷۵ و در مطالعات انجام شده در ایران توسط عقدکی و صدیقی ارفعی (۱۴۰۲) برابر با ۰/۸۰ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ پرسش نامه ۰/۷۱ برآورد گردید.

۲- پرسش نامه کیفیت رابطه والد-فرزندی^۳: این ابزار توسط فاین^۴ و همکاران (۱۹۸۳) طراحی شده است. پرسش نامه خود گزارش دهی مذکور شامل دو فرم مجزا برای پدر و

مادر است که هر کدام دارای ۲۴ گویه می‌باشد. زیرمقیاس‌های هر دو فرم شامل عاطفه مثبت، مشارکت و رابطه گفت‌وگو است. نمره‌گذاری گویه‌ها در طیف ۷ درجه‌ای لیکرت (۰ = تقریباً هیچ تا ۶ = بسیار زیاد) انجام می‌شود. لازم به ذکر است که گویه‌های شماره ۹، ۱۳ و ۱۴ در هر دو فرم به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردند. ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار در مطالعه اصلی ۰/۹۶ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ گزارش شده است. در مطالعه‌ای که در ایران انجام شد، اینانلو و همکاران (۱۴۰۱) ضمن تأیید روایی همگرایی ابزار با مقیاس هویت اجتماعی ($p < ۰/۰۱$ و $r = ۰/۲۶$)، ضریب آلفای کرونباخ کل را ۰/۹۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۴ برآورد شد.

۳- پرسش‌نامه کنترل عاطفی^۱: این ابزار خود گزارش‌دهی‌توسط ویلیامز^۲ و همکاران (۱۹۹۷) طراحی شده است. پرسش‌نامه مذکور شامل ۴۲ گویه است که ۴ زیرمقیاس خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری گویه‌ها در طیف ۷ درجه‌ای لیکرت (از ۱ = به شدت مخالفم تا ۷ = به شدت موافقم) انجام می‌شود. ویلیامز و همکاران (۱۹۹۷) ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه را ۰/۹۴ و برای زیرمقیاس‌های خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت را به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۴ گزارش کردند. همچنین، پایایی آزمون-بازآزمایی برای نمره کل ۰/۷۸ و ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌ها بیش از ۰/۴۷ برآورد شده است. در مطالعات داخلی، طهماسبیان و همکاران (۱۳۹۳) ضمن تأیید همسانی درونی و معناداری همبستگی‌های آزمون، ضرایب آلفای کرونباخ را در گروه‌های دانش‌آموزان ۰/۷۸، دانشجویان ۰/۸۱، معلمان ۰/۸۸، اساتید دانشگاه ۰/۹۳ و پرستاران ۰/۹۰ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۷۴ برآورد شد.

۴- پرسش‌نامه پردازش هیجانی^۳: این ابزار در سال ۲۰۰۷ توسط باکر^۴ و همکاران طراحی و در سال ۲۰۱۰ مورد بازنگری قرار گرفته است. پرسش‌نامه خود گزارش‌دهی

مذکور شامل ۲۵ گویه است که ۵ زیرمقیاس سرکوب هیجانی، هیجان تنظیم نشده، فقر تجربه هیجانی، هیجان پردازش نشده و اجتناب هیجانی را می‌سنجد. نمره گذاری گویه‌ها در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (از ۱ = کاملاً موافقم تا ۵ = کاملاً مخالفم) انجام می‌شود. باکر و همکاران (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه را ۰/۹۲ و برای زیرمقیاس‌ها را بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۵ گزارش کردند. همچنین، پایایی آزمون-بازآزمایی برای کل ابزار ۰/۷۴ و برای زیرمقیاس‌ها در دامنه ۰/۵۵ تا ۰/۸۴ برآورد شد. در مطالعات داخلی، لطفی (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ کل را ۰/۹۵ گزارش نموده است (دریای لعل و اکبری، ۱۴۰۱). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه برابر با ۰/۶۸ برآورد گردید.

یافته‌ها

جدول ۱ نشان‌دهنده یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	شاخص تحمل	عامل تورم واریانس
الگوی ارتباط پدر/فرزند	۵۲/۸۸	۷/۴۶	۱/۳۴	۱/۴۷	۰/۸۴	۱/۱۹
الگوی ارتباط مادر/فرزند	۴۶/۹۸	۶/۲۳	۰/۸۲	۰/۱۳	۰/۷۵	۱/۱۹
کنترل عاطفه	۱۱۶/۷۹	۲۸/۰۰	۱/۰۳	۰/۳۳	۰/۸۱	۱/۲۵
پردازش هیجانی	۶۳/۳۲	۱۰/۰۳	-۰/۷۱	۰/۵۶	۰/۸۴	۱/۱۹
گرایش به مصرف مواد	۲۸/۱۰	۵/۰۶	-۰/۱۷	۱/۵۲		

پیش از انجام تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود همزمان، مفروضات اساسی رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند. ابتدا برای بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع خطاها^۱ آزمون‌های کجی و کشیدگی^۲ مورد استفاده قرار گرفت. نتایج این آزمون‌ها نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع نمرات بود. جهت بررسی مفروضه استقلال خطاها^۳ و عدم وجود خودهمبستگی^۴ شاخص دوربین-واتسون^۵ محاسبه گردید. مقادیر این شاخص برای الگوی ارتباطی والد-فرزند ۱/۸۱، کنترل عاطفی ۱/۷۰ و پردازش هیجانی ۱/۸۲ بود که با توجه به قرار گرفتن در محدوده ۱/۵ الی ۲/۵ نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی در خطاهاست.

1. normality of errors
2. skewness and kurtosis
3. independence of errors

4. no autocorrelation
5. Durbin-Watson

در نهایت، جهت بررسی پیش‌فرض عدم وجود هم‌خطی چندگانه^۱ عامل تورم واریانس^۲ و شاخص تحمل^۳ محاسبه گردید. مطابق جدول ۱، نتایج نشان داد که مقادیر این شاخص برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ بود. به علاوه، مقدار شاخص تحمل نیز بین محدوده قابل قبول ۰/۱۰ و ۱ قرار داشت. اضافه بر این، بررسی همبستگی‌های پیرسون که در جدول ۲ ارائه شده است نیز تأیید کرد که همبستگی بین متغیرهای مستقل کمتر از ۰/۹۰ بود. بنابراین، آماره‌های دو شاخص عامل تورم واریانس و تحمل و نتایج همبستگی بیانگر عدم وجود هم‌خطی چندگانه بود و تحلیل رگرسیون انجام شد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵
۱- الگوی ارتباط پدر/فرزند	۱				
۲- الگوی ارتباط مادر/فرزند	۰/۴۰*	۱			
۳- کنترل عاطفه	-۰/۲۸*	۰/۵۷*	۱		
۴- پردازش هیجانی	-۰/۳۱*	-۰/۶۸*	۰/۳۹*	۱	
۵- گرایش به مصرف مواد	-۰/۵۲*	-۰/۴۶*	۰/۵۷*	۰/۴۴*	۱

* $p < 0/01$

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین گرایش به مصرف مواد با متغیرهای الگوی ارتباط پدر/فرزند و الگوی ارتباط مادر/فرزند رابطه منفی و معناداری وجود داشت ($p < 0/01$). علاوه بر این، گرایش به مصرف مواد همبستگی مثبت معناداری با کنترل عاطفی و پردازش هیجانی داشت ($p < 0/01$).

جدول ۳: ضرایب رگرسیون گرایش به مصرف مواد بر اساس متغیرهای پژوهش

متغیر پیش‌بین	بتا	t	F	معناداری
الگوی ارتباطی با پدر	-۰/۳۴	-۸/۶۰	۷۴/۰۱	۰/۰۱۱*
الگوی ارتباطی با مادر	-۰/۴۶	-۷/۳۲	۵۳/۶۳	۰/۰۰۷**
کنترل عاطفی	۰/۵۷	۹/۸۶	۹۷/۲۰	۰/۰۱۸*
پردازش هیجانی	۰/۴۴	۶/۹۴	۴۸/۱۰	۰/۰۱۴*

* $p < 0/05$. ** $p < 0/01$.

1. multicollinearity
2. variance inflation factor (VIF)

3. tolerance index

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ نشان داد که تمامی متغیرهای پژوهش شامل الگوی ارتباطی با پدر، الگوی ارتباطی با مادر، کنترل عاطفی و پردازش هیجانی توانستند به طور معناداری گرایش به مصرف مواد را پیش‌بینی کنند. بر اساس ضرایب استاندارد شده عوامل بین فردی یعنی الگوهای ارتباطی با پدر ($p < 0/05$) مادر ($p < 0/01$) دارای ارتباط منفی و معنادار با گرایش به مصرف مواد بودند، در حالی که متغیرهای درون فردی (یعنی کنترل عاطفی/پردازش هیجانی) نیز با ضرایب مثبت پیش‌بینی‌کننده معنادار گرایش به مصرف مواد بودند ($p < 0/05$). به علاوه، مدل حاصل توانست ۳۸ درصد از واریانس گرایش به مصرف مواد را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد براساس الگوی ارتباط والد-فرزند، کنترل عاطفی و پردازش هیجانی در نوجوانان انجام شد. نخستین یافته پژوهش حاضر نشان داد که گرایش به مصرف مواد در نوجوانان با کیفیت رابطه والد-فرزندی رابطه منفی و معناداری داشت. به عبارت دیگر، هرچه کیفیت ارتباط بین نوجوان و والدین او پایین‌تر باشد گرایش وی به مصرف مواد افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج مطالعات پیشین همسو است. محمدزاده و جنگی (۱۴۰۲) و ترکمانی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهش‌های خود به رابطه منفی بین کیفیت ارتباط والد-فرزند و گرایش به مصرف مواد دست یافتند. همچنین، سوپراپتو^۱ و همکاران (۲۰۲۴) و هافمن^۲ (۲۰۲۳) در مطالعات خود تأیید کردند که الگوهای ارتباطی ناکارآمد در خانواده زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر در نوجوانان است. استاد رحیمی و فتحی (۱۴۰۰) نیز نشان دادند که بین الگوی ارتباطی جهت‌گیری گفت و شنود و مصرف مواد رابطه منفی معنادار و بین جهت‌گیری همناوبی و مصرف مواد رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به علاوه، آن‌ها نشان دادند که مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه (روابط دانش‌آموزان، روابط دانش‌آموزان و معلمان و فرصت‌های آموزشی) با گرایش به مصرف مواد روابط منفی معناداری دارند که نشان از چندبعدی بودن عوامل مؤثر بر این پدیده دارد. همچنین، یافته‌های گاطع‌زاده و مولایی‌راد (۱۳۹۹) و

دورا^۱ و همکاران (۲۰۲۳) نیز همسو با پژوهش حاضر بر نقش متغیرهای ارتباطی و عاطفی در گرایش به مصرف مواد تأکید دارند. در مجموع، همگرایی نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهشگران داخلی و خارجی بیانگر ثبات و پایایی رابطه بین کیفیت روابط خانوادگی و گرایش به مصرف مواد در بسترهای فرهنگی مختلف است.

در تبیین رابطه منفی بین کیفیت رابطه والد-فرزند و گرایش به مصرف مواد می‌توان گفت که خانواده خصوصاً والدین مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری الگوهای رفتاری و هیجانی نوجوانان ایفا می‌کنند. شواهد حاصل از پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که نوجوانان متمایل به مصرف مواد غالباً در معرض آسیب‌های ارتباطی درون‌خانوادگی نظیر طلاق، تعارضات پایدار خانوادگی، محرومیت از محبت، فقدان ارتباط عاطفی متقابل و شیوه‌های تنبیهی افراطی قرار دارند (کارا و کاراکایا، ۲۰۲۶؛ اوسارهایاکیمین و همکاران، ۲۰۲۵). این شرایط نه تنها موجب کاهش دلبستگی ایمن بین والد و فرزند می‌شود، بلکه بهزیستی روانی اعضای خانواده را نیز مختل می‌سازد (برگر و همکاران، ۲۰۲۵). براساس نظریه روانکاوای هورنای^۲، چنانچه والدین به جای پذیرش فرزند و ایجاد روابط آرامبخش به طرد و خصومت با وی پردازند در کودک احساس اضطراب و خصومت شکل می‌گیرد که به نوبه خود زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر نظیر گرایش به مصرف مواد خواهد شد (شولتز و شولتز^۳، ۱۴۰۴). به زعم پژوهشگر، خانواده با الگوی ارتباطی مطلوب فضایی است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، باور تعلق و مورد علاقه بودن را در اعضای خود تأمین می‌کند و بدین ترتیب فرزندان را در برابر تنش‌های زندگی مقاوم‌تر می‌سازد. در مقابل، خانواده با الگوی ارتباطی ناکارآمد با ایجاد جو آشفته و بیمار زمینه را برای بروز رفتارهای مخرب فراهم می‌آورد.

برآیند دیگر پژوهش نشان داد که بین نمره کنترل عاطفی با گرایش به مصرف مواد در نوجوانان همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت. به بیان دیگر، هرچه نوجوانان در کنترل عواطف خود ناتوان‌تر باشند گرایش بیشتری به مصرف مواد نشان می‌دهند. این یافته

با نتایج گاطع زاده و مولایی راد (۱۳۹۹) که نشان دادند شیوه های فرزند پروری والدین با نقش میانجی منبع کنترل، اثر مثبت و معناداری بر گرایش نوجوانان به مصرف مواد دارد همسو است. همچنین، دورا و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که بین کنترل عاطفی با مقاومت در برابر وسوسه مصرف الکل همبستگی معناداری وجود دارد. با این حال، برخی پژوهش ها مانند مطالعه چاپلین و همکاران (۲۰۲۴) نشان داده اند که رابطه بین کنترل عاطفی و مصرف مواد ممکن است تحت تأثیر متغیرهای تعدیل گر نظیر جنسیت و سن قرار گیرد که می تواند توجه کننده بخشی از واریانس تبیین نشده در پژوهش حاضر باشد. به طور کلی، یافته های همبستگی در این بخش نیز با اکثر مطالعات پیشین همخوانی دارد و بر اهمیت کنترل عاطفی به عنوان یک عامل حفاظتی یا خطرزا در گرایش به مصرف مواد تأکید می ورزد.

در تبیین این یافته می توان گفت که کنترل عاطفی به تنهایی نمی تواند گرایش به مصرف مواد را تبیین کند، بلکه ممکن است متغیرهای میانجی گری مانند مهارت های اجتماعی، منبع کنترل و راهبردهای مقابله ای در این رابطه نقش داشته باشند (گاطع زاده و مولایی راد، ۱۳۹۹). افرادی که توانایی کنترل عواطف خود را دارند در عملکرد اجتماعی به ویژه در برقراری روابط سازنده با دیگران موفق تر عمل می کنند. از سوی دیگر، افراد در گیر در مصرف مواد در توجه به اطلاعات هیجانی، ادراک صحیح آنها، پردازش درست و مدیریت مطلوب هیجانات در روابط بین فردی با دشواری هایی مواجه اند (کرتین و همکاران، ۲۰۲۵؛ بوون و همکاران، ۲۰۲۶). به زعم پژوهشگر، این دشواری ها می توانند باعث شوند که فرد در مواجهه با موقعیت های تنش زای زندگی توانایی تحلیل، تصمیم گیری و انتخاب رفتار صحیح را از دست بدهد و به سوی رفتارهای سازش نایافته نظیر مصرف مواد کشیده شود. به بیان دیگر، ناتوانی در کنترل عواطف فرد را در برابر هیجانات منفی آسیب پذیر می سازد و او را به سمت راهبردهای کوتاه مدت و تسکین دهنده نظیر مصرف مواد سوق می دهد.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین نمره پردازش هیجانی و گرایش به مصرف مواد در نوجوانان همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت. این بدان معناست که هرچه

پردازش هیجانی در نوجوانان ناقص‌تر و ناکارآمدتر باشد گرایش آن‌ها به مصرف مواد افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج ترکمانی و همکاران (۱۴۰۱) همسو است که نشان دادند نمره گرایش به مصرف مواد براساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجانی دانشجویان قابل پیش‌بینی است. همچنین، اکبری و همکاران (۱۴۰۰) نیز نقش مثبت و معنادار حس انسجام و دشواری در تنظیم هیجان را در گرایش به مصرف مواد نوجوانان پسر تأیید کردند. در سطح بین‌المللی، مطالعات کرتین و همکاران (۲۰۲۵)، و فیگوئیراس-ویلا و همکاران (۲۰۲۵) نیز نشان داده‌اند که نقص در پردازش هیجانی یکی از عوامل کلیدی در شروع و تداوم مصرف مواد در نوجوانان و بزرگسالان است. با این حال، پژوهش‌های ماتی-مورا و همکاران (۲۰۲۶) و شیلینگ و همکاران (۲۰۲۵) نشان داده‌اند که تأثیر پردازش هیجانی بر مصرف مواد ممکن است تحت تأثیر عوامل نورویولوژیک و تفاوت‌های فردی قرار گیرد که می‌تواند توجیه‌کننده تفاوت‌های جزئی در میزان واریانس تبیین‌شده در پژوهش‌های مختلف باشد.

در تبیین این یافته باید گفت که آمادگی به مصرف مواد به عنوان یک پتانسیل فردی تحت تأثیر تفاوت‌های فردی از جمله توانایی پردازش هیجانات قرار دارد. نظریه پردازان معتقدند افرادی که توانایی کنترل و مدیریت صحیح هیجانات خود را در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات روزمره ندارند بیشتر علائم روان‌شناختی زمینه‌ساز مصرف مواد مخدر را نشان می‌دهند (فیش‌باین و راس، ۲۰۲۵؛ چاپلین و همکاران، ۲۰۲۴). هنگامی که فرد در پردازش هیجان با چالش‌هایی مواجه می‌شود به جای استفاده از راهبردهای مسئله‌مدار به راهبردهای هیجان‌مدار روی می‌آورد و با سرپوش گذاشتن بر چالش‌ها از حل مسئله اصلی طفره می‌رود. مصرف مواد یکی از بارزترین رفتارهای هیجان‌مدار است که به عنوان راهی برای فرار از موقعیت‌های تنش‌زا و کنار آمدن با روان‌رنجوری‌های ناشی از زندگی روزمره انتخاب می‌شود (کانرود و همکاران، ۲۰۲۵؛ لونگا و همکاران، ۲۰۲۶). در واقع، نوجوانانی که در پردازش هیجانات خود ناتوان هستند هنگام رویارویی با مشکلات زندگی به جای استفاده از راهبردهای سازگارانه جهت تسکین هیجانات منفی مصرف مواد را به عنوان یک راهکار سریع و در دسترس تجربه می‌کنند. این فرایند به مرور زمان می‌تواند به یک

الگوی رفتاری تثبیت شده تبدیل شود که زمینه ساز مصرف مواد در دوره های بعدی زندگی خواهد بود (نیکلسون و همکاران، ۲۰۲۶؛ سینگ و همکاران، ۲۰۲۶).

برآیند دیگر مطالعه حاضر نشان داد که مدل ترکیبی متغیرهای پژوهش (کیفیت رابطه والد-فرزند، کنترل عاطفی و پردازش هیجانی) توانستند گرایش به مصرف مواد را پیش بینی کنند. این نتیجه نشان دهنده سهم قابل توجه متغیرهای مورد مطالعه در پیش بینی رفتارهای پرخطر در نوجوانان است. این یافته با نتایج استاد رحیمی و فتحی (۱۴۰۰) که نشان دادند الگوهای ارتباطی خانواده قادر به پیش بینی گرایش به مصرف مواد در دانش آموزان هستند همسو است. همچنین، ترکمانی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که سبک های فرزند پروری و تنظیم شناختی هیجانی می توانند گرایش به مواد را در دانشجویان پیش بینی کنند که این امر با یافته های پژوهش حاضر مبنی بر نقش ترکیبی متغیرهای ارتباطی و هیجانی همخوانی دارد. خالیدیان و حسنوند (۱۴۰۴) نیز در پژوهشی بر نقش عوامل روان شناختی در تداوم و وسوسه مصرف مواد تأکید کردند، که به نوعی بیانگر اهمیت متغیرهای درون فردی در کنار متغیرهای بین فردی است. در سطح بین المللی، یافته های قربانعلی پور و همکاران (۲۰۲۵) نشان داد که جو عاطفی خانواده و نیازهای اساسی با میانجی گری هیجان خواهی می توانند گرایش به مصرف مواد را در نوجوانان پیش بینی کنند که با مدل ترکیبی پژوهش حاضر هماهنگی دارد. همچنین، وود و همکاران (۲۰۲۵) و ماتی-مورا و همکاران (۲۰۲۶) نیز بر نقش تعامل عوامل محیطی، خانوادگی و عصبی-شناختی در پیش بینی مصرف مواد تأکید کرده اند. با این حال، پژوهش های جان و همکاران (۲۰۲۶) و کارا و کاراکایا (۲۰۲۶) نشان داده اند که عوامل زمینه ای نظیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی و دسترسی به مواد نیز سهم عمده ای در پیش بینی مصرف مواد دارند، که در پژوهش حاضر لحاظ نشد.

همچنین، سهم ترکیبی در تبیین واریانس گرایش به مصرف مواد بیانگر این واقعیت است که گرایش به مصرف مواد پدیده ای چندعلتی و پیچیده است که تحت تأثیر کنش متقابل عوامل فردی (مانند کنترل و پردازش هیجانی) و بین فردی (مانند کیفیت روابط والد-فرزند) قرار دارد. یافته های پژوهش های پیشین نیز این پیچیدگی را تأیید کرده اند.

به‌عنوان مثال، بیگی و همکاران (۱۴۰۴) نشان دادند که آموزش خودشفابخشی می‌تواند بر عدم تحمل ناکامی در افراد مبتلا به اختلالات مصرف مواد مؤثر باشد که این امر بر اهمیت توانمندسازی شناختی-هیجانی در کنار مداخلات ارتباطی تأکید دارد. پیشه‌ور مفرد و همکاران (۱۴۰۴) نیز با مقایسه نیمرخ روانی افراد وابسته به مواد، زندانی و عادی نشان دادند که تفاوت‌های شخصیتی و روان‌شناختی نقشی تعیین‌کننده در گرایش به مصرف مواد دارند. همچنین، پژوهش‌های نورویبولوژیک اخیر (مانند شیلینگ و همکاران، ۲۰۲۵؛ سینگ و همکاران، ۲۰۲۶) نیز نشان داده‌اند که تفاوت‌های ساختاری و عملکردی در مغز نوجوانان با سابقه خانوادگی اختلالات مصرف مواد می‌تواند آسیب‌پذیری آن‌ها را افزایش دهد که این امر بیانگر تعامل پیچیده بین عوامل زیستی و محیطی است. مدل ترکیبی پژوهش حاضر با تلفیق متغیرهای ارتباطی و هیجانی توانسته است بخش قابل‌توجهی از این تعامل را پوشش دهد و مسیری عملیاتی برای طراحی مداخلات روان‌شناختی هدفمند نظیر آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان (کرتین و همکاران، ۲۰۲۵)، خانواده‌درمانی مبتنی بر بهبود الگوهای ارتباطی (برگر و همکاران، ۲۰۲۶)، و برنامه‌های توانمندسازی پدران (شاکری و همکاران، ۱۴۰۴) ارائه کند.

۱۳۸

138

یافته‌های پژوهش ضرورت طراحی مداخلات پیشگیرانه با محوریت تقویت مهارت‌های هیجانی، بهبود روابط خانوادگی (به‌ویژه رابطه با پدر) و کاربست رویکردهای خانواده‌درمانی را آشکار می‌سازد و مسیری عملیاتی برای کاهش گرایش به مصرف مواد در نوجوانان و ارتقای سلامت روان آنان فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر با برخی محدودیت‌های روش‌شناختی مواجه بود که باید در تفسیر یافته‌ها لحاظ گردند. نخست، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و تغییر جامعه آماری از محیط‌های مدرسه‌ای به بسترهای مجازی (کانال‌های تلگرامی) می‌تواند بر میزان معرف بودن نمونه و قابلیت تعمیم یافته‌ها به کل جامعه نوجوانان شهر تهران اثرگذار باشد. همچنین، ماهیت خودسنجی ابزارها و عدم امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گر نظیر ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت سلامت روان و عوامل محیطی از دیگر محدودیت‌های این مطالعه است. سوم، مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است و امکان نتیجه‌گیری علت و معلولی امکان‌پذیر نیست.

توجه به این موارد، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با به کارگیری روش‌های نمونه‌گیری احتمالی و حجم نمونه بزرگ‌تر به بررسی نقش تعاملی متغیرهای کنترل‌کننده مذکور در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد بپردازند. علاوه بر این، استفاده از طرح‌های طولی و مدل‌سازی معادلات ساختاری جهت تبیین روابط مسیر و تحلیل همزمان متغیرهای پژوهش در دو گروه دختر و پسر می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر مکانیسم‌های روانی پیش‌بین در این بازه سنی کمک نماید.

تشکر و قدردانی

محققان این مطالعه از تمامی نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش و مسئولان کانال‌های تلگرامی «اخبار مدارس» و «من و درس‌ام» جهت فراهم ساختن شرایط اجرای مطالعه صمیمانه قدردانی می‌نمایند.

ملاحظات اخلاقی

این مطالعه با کسب مجوزهای لازم از سوی واحد پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج اجرا شد و در تمامی مراحل اجرای این مطالعه رضایت افراد نمونه و صیانت از گمنامی آنان و محرمانگی اطلاعات در اولویت قرار داشت.

حامی مالی

این پژوهش حمایت مالی از هیچ سازمانی دریافت نکرده است.

تعارض منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند که هیچ تعارض منافعی در انجام این مطالعه و انتشار آن ندارند.

منابع

- استاد رحیمی، احمد و فتحی، آیت الله (۱۴۰۰). نقش الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه در گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۵ (۵۹)، ۲۷۵-۲۹۲.
<https://doi.org/10.52547/etiadpajohi.15.59.275>
 اکبری، نقی؛ جاویدپور، مرتضی و شعبانین، امیرحسین (۱۴۰۰). الگوی تحلیل مسیر گرایش به اعتیاد براساس حس انسجام با میانجی‌گری دشواری در تنظیم هیجان در نوجوانان پسر. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۰ (۱۱)، ۱۲۰۹-۱۲۲۲.
<https://doi.org/10.52547/jrums.20.11.1209>

اینالو، مریم؛ بشردوست، سیمین و ابوالمعالی‌الحسینی، خدیجه (۱۴۰۱). ارائه الگوی پیش‌بینی اعتیاد به بازی‌های آنلاین براساس ویژگی‌های شخصیتی هگزاکو و رابطه والد-فرزند با میانجی‌گری تکانشگری. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱)، ۳۱۰-۲۸۵.

بیگی، علی؛ رحیمی، حسن و خدای، پیمان (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش خودشفابخشی بر عدم تحمل ناکامی در افراد با اختلال مصرف مواد تحت درمان نگهدارنده متادون. فصلنامه

اعتیادپژوهی، ۱۹(۷۸)، ۱۶۶-۱۴۹. <https://doi.org/10.22034/ETI.19.78.149>

پیشه‌ور مفرد، محمدحسن؛ مظاهری، مهرداد؛ قیصری، فاطمه و منصورخانی، زهرا (۱۴۰۴). مقایسه نیمرخ روانی افراد وابسته به مواد، زندانی و عادی با استفاده از پرسش‌نامه چندوجهی شخصیتی مینه‌سوتا. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۹(۷۶)، ۱۰۲-۷۹.

<https://doi.org/10.22034/ETI.19.76.79>

ترکمانی، حسین؛ قاسمی مطلق، مهدی؛ اسماعیلی شاد، بهرنگ و محمدی‌پور، محمد (۱۴۰۱). پیش‌بینی میانگین نمره گرایش به اعتیاد بر اساس سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی هیجانی دانشجویان. مجله مطالعات ناتوانی، ۱۲، ۱۴۳.

خالدیان، محمد و حسونند، بنفشه (۱۴۰۴). علل و عوامل تأثیرگذار در وسوسه بدون لغزش در افراد تحت درمان نگهدارنده با متادون. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۹(۷۸)، ۱۴۸-۱۲۹.

<https://doi.org/10.22034/ETI.19.78.129>

خوانساری، ابوالفضل؛ میرزا حسینی، حسن و شریفی‌راد، غلامرضا (۱۴۰۴). تبیین مدل پیش‌بینی گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر بر اساس کیفیت زندگی خانواده: نقش میانجی سبک‌های تنظیم هیجان. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۹(۷۷)، ۱۷۸-۱۵۷.

<https://doi.org/10.22034/ETI.19.77.157>

دریای‌لعل، غلامرضا و اکبری، بهمن (۱۴۰۱). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر پردازش‌های هیجانی در دانشجویان دختر دارای اختلال اضطراب اجتماعی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۳)، ۶۵-۵۱.

شاکری، زهرا؛ چوب فروش‌زاده، آزاده؛ رضاپور میرصالح، یاسر و صحرایان، کیمیا (۱۴۰۴). بررسی کیفی الگوی کنترل والدین بر اساس نظریه انتخاب گلاس در جوانان مصرف‌کننده مواد. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۹(۷۵)، ۱۳۴-۱۰۳.

<https://doi.org/10.22034/ETI.19.75.103>

شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی آلن (۱۴۰۴). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.

طهماسبیان، حجت اله؛ خزایی، حبیب اله؛ عارفی، مختار؛ سعیدپور، مهشید و حسینی، سیدعلی (۱۳۹۳). *هنجاریابی آزمون مقیاس کنترل عواطف*. *ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، ۱۸ (۶)، ۳۴۹-۳۵۴.

عقدکی، فریده و صدیقی ارفع، فربرز (۱۴۰۲). نقش حمایت اجتماعی ادراک شده و خشم در پیش بینی گرایش به اعتیاد نوجوانان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۷ (۶۷)، ۲۴۴-۲۲۹.

<https://doi.org/10.52547/etiadjpajohi.17.67.229>

گاطع‌زاده، عبدالامیر و مولایی‌راد، محمدرضا (۱۳۹۹). پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد نوجوانان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین و نقش میانجی منبع کنترل. *مجله علوم پزشکی رفسنجان*، ۱۹ (۱۲)، ۱۲۷۶-۱۲۶۱. <https://doi.org/10.29252/jrums.19.12.1261>

محقق، حسین؛ برازنده، مرضیه؛ فرهادی، مهران و یارمحمدی واصل، شهریار (۱۴۰۵). نقش میانجی سازمان شخصیت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و استعداد اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۲۰ (۷۹)، ۵۹-۸۴. <https://doi.org/10.22034/ETI.20.79.59>

محمدامینی، سامان؛ میکائیلی، نیلوفر و حاجلو، نادر (۱۴۰۵). رابطه بدرفتاری دوران کودکی و گرایش به مصرف مواد در نوجوانان: نقش میانجی پریشانی روان‌شناختی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۲۰ (۷۹)، ۳۵-۵۸. <https://doi.org/10.22034/ETI.20.79.35>

محمدزاده، فائزه و جنگی، پریا (۱۴۰۲). پیش‌بینی گرایش به سوءمصرف موادمخدر افیونی در نوجوانان بر اساس آشفتگی‌های روان‌شناختی و سلامت در خانواده. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۷ (۶۹)، ۱۸۱-۲۰۰. <https://doi.org/10.61186/etiadjpajohi.17.69.181>

References

- Baker, R., Thomas, S., Thomas, P. W., & Owens, M. (2007). Development of an emotional processing scale. *Journal of Psychosomatic Research*, 62(2), 167-178. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2006.09.005>
- Baker, R., Thomas, S., Thomas, P. W., Gower, P., Santonastaso, M., & Whittlesea, A. (2010). The Emotional Processing Scale: scale refinement and abridgement (EPS-25). *Journal of psychosomatic research*, 68(1), 83-88. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2009.07.007>
- Berger, E. L., Y. Barrett, A. M., Mendes, S., Oro, V., Leve, L. D., Pfeifer, J. H., & Cioffi, C. C. (2026). Preventing the Intergenerational Transmission of Substance Use Disorder: Lessons Learned From Developmental Science on

- Parenting and Adolescence. *Substance Use: Research and Treatment*, 20, 29768357261454176. <https://doi.org/10.1177/29768357261454176>
- Bowen, A. M., Calder, R., Neale, J., Meynen, T., & Gilchrist, G. (2026). Emotion Regulation in the Association Between Posttraumatic Stress Disorder and Substance Use: A Systematic Review With Narrative Synthesis. *Trauma, Violence, & Abuse*, 27(1), 3-21. <https://doi.org/10.1177/15248380241306362>
- Çelebi, L., Kılıçoğlu, A. G., & Algedik, P. (2026). Substance use disorder treatment completion rates in adolescent inpatients and factors affecting these rates. *Addicta: The Turkish Journal on Addictions*, 1-10. <https://doi.org/10.15805/addicta.2026.511>
- Chaplin, T. M., Gonçalves, S. F., Kisner, M. A., Ryan, M., Forbes, E., & Thompson, J. C. (2024). Adolescents' neural responses to their parents' emotions: associations with emotion regulation, internalizing symptoms, and substance use. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 19(1), nsae084. <https://doi.org/10.1093/scan/nsae084>
- Chrétien, S., Giroux, I., Smith, I., Jacques, C., Ferland, F., Sévigny, S., & Bouchard, S. (2025). Emotional regulation in substance-related and addictive disorders treatment: a systematic review. *Journal of Gambling Studies*, 41(2), 353-448. <https://doi.org/10.1007/s10899-024-10366-8>
- Clinton, S., Shomuyiwa, D., Sarwar, G., Wang, L., Callands, T. A., Hansen, N. B., & Haider, M. R. (2026). Gender Differences in Adverse Childhood Experiences, Psychological Distress, and Substance Use Disorder Among Persons who Inject Drugs in Northeast Georgia, USA: A Moderated Mediation Analysis. *Journal of Child & Adolescent Trauma*. <https://doi.org/10.1007/s40653-025-00815-w>
- Conrod, P., Stewart, S. H., Seguin, J., Pihl, R., Masse, B., Spinney, S., & Lynch, S. (2025). Five-year outcomes of a school-based personality-focused prevention program on adolescent substance use disorder: A cluster randomized trial. *American Journal of Psychiatry*, 182(5), 473-482. <https://doi.org/10.1176/appi.ajp.20240042>
- Dora, J., Piccirillo, M., Foster, K. T., Arbeau, K., Armeli, S., Auriacombe, M., ... & King, K. M. (2023). The daily association between affect and alcohol use: A meta-analysis of individual participant data. *Psychological Bulletin*, 149(1-2), 1-24. <https://doi.org/10.1037/bul0000387>
- Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, 19, 703-713. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.19.5.703>
- Fishbein, D., & Rose, E. J. (2025). A translational framework for personalizing intervention models to prevent substance use disorder. *Addiction Neuroscience*, 15, 100206. <https://doi.org/10.1016/j.addicn.2025.100206>
- Folgueiras-Vila, A., Martorell-Poveda, M. A., del Señor Sesmiolo-Martínez, M., Vidal-Massot, P., & Ortega-Sanz, L. (2025). Self-Care in Addiction Recovery: A Scoping Review. *International Journal of Mental Health Nursing*, 34(5), e70124. <https://doi.org/10.1111/inm.70124>

- Ghorbanalipour, M., Jafari, E., Behboodi, M., & Alilou, S. (2025). The Role of Basic Needs and Family Emotional Climate in Predicting Tendency toward Addiction with the Mediating Role of Sensation Seeking in Adolescents. *International Journal of Applied Behavioral Sciences*, 12(2), 17-28. <https://doi.org/10.22037/ijabs.v12i2.47327>
- Hall, W., Yimer, T. M., Thorne, R. L., Hoch, E., Burke, C., Gridley, A., ... & Freeman, T. P. (2026). Relationships between cannabis use and mental disorders: assessing the coherence of evidence from studies with different methodologies. *The Lancet Psychiatry*, 13(7), 604-614. [https://doi.org/10.1016/S2215-0366\(26\)00086-6](https://doi.org/10.1016/S2215-0366(26)00086-6)
- Hoffmann, J. P. (2023). Parent-child relations, religiousness, and adolescent substance use disorders. *Journal of Drug Issues*, 53(2), 335-356. <https://doi.org/10.1177/00220426221121608>
- John, A. E., Olorunda, J. O., Nwekeoma, S. O., & Fasesin, O. O. (2026). A Public Health Review of Socioecological Determinants and Behavioral Patterns of Substance Use in Tertiary Education Populations. *Journal of Pharma Insights and Research*, 4(3), 117-142. <https://doi.org/10.69613/s02trn82>
- Kara, H., & Karakaya, D. (2026). Substance use disorders in adolescents: A qualitative systematic review. *Journal of Advanced Nursing*, 82(3), 2084-2100. <https://doi.org/10.1111/jan.16967>
- Kosobuski, L., Palombi, L., & Hager, K. (2026). Pharmacist-Delivered Comprehensive Medication Management in a Substance Use Disorder Inpatient Residential Treatment Program, a 12-Month Descriptive Report. *Journal of the American College of Clinical Pharmacy*, 9(1), e70159. <https://doi.org/10.1002/jac5.70159>
- Lunga, R. A., Rada, C., Neagu, A. E., Marinescu, V., & Rodideal, A. A. (2026). Substance use and violence in adolescence: emotional and relational dynamics. *Anthropological Researches and Studies*, 16, 1-20. <https://doi.org/10.26758/16.1.1>
- Mattey-Mora, P. P., Murray, O. K., Aloï, J., Dzemiđić, M., Harezlak, J., & Hulvershorn, L. A. (2026). Risk calculation circuit abnormalities plus psychosocial risk variables predict problematic substance use in youth with externalizing disorders. *Neuropsychopharmacology*, 51, 1335-1344. <https://doi.org/10.1038/s41386-026-02367-5>
- Nicholson, R. C., Choi, U. E., Mojtābai, R., & Thrul, J. (2026). Association of cannabis use disorder versus other substance use disorders with psychiatric conditions: a propensity-matched retrospective cohort analysis. *American Journal of Psychiatry*, 183(4), 260-268. <https://doi.org/10.1176/appi.ajp.20250336>
- Osarhiaekhimen, G., Oge, S. O., Oyeniyi, T., Ifezuoike, N. F., Emesobum, M., Olamiju, J. O., ... & Aja, L. (2025). Psychosocial Predictors of Drug Use Disorders among Secondary School Adolescents in Abuja, Nigeria: The Role of Emotional Neglect, Family Dysfunction, and Parental Substance Abuse. *F1000Research*, 14, 1415. <https://doi.org/10.12688/f1000research.174166.1>

- Reichert, R. A., De Micheli, D., Fidalgo, T. M., de Souza Vitale, M. S., & da Silveira, D. X. (2025). Neuropsychological and behavioral aspects of substance use and mental disorders in adolescence. In R. A. Reichert, A. L. M. Andrade, & D. De Micheli (Eds.), *Neuropsychology and substance use disorders: Assessment and treatment* (pp. 331–353). Springer Nature Switzerland AG. https://doi.org/10.1007/978-3-031-82614-6_14
- Schilling, L., Singleton, S. P., Tozlu, C., Hédo, M., Zhao, Q., Pohl, K. M., ... & Kuceyeski, A. (2025). Sex-specific differences in brain activity dynamics of youth with a family history of substance use disorder. *Nature Mental Health*, 4, 2024.09.03.610959. 10.1101/2024.09.03.610959
- Singh, A., Ali, A., & Paul, F. A. (2026). Neurobiological contributions to addiction: a narrative review of adolescent and adult vulnerabilities. *Journal of Addictive Diseases*, 44(2), 110-120. <https://doi.org/10.1080/10550887.2025.2513142>
- Suprpto, M. H., Setiasih, S., & Siaputra, I. B. (2024). Parent-Child Relationship and Smartphone Addiction: The Role of Self-Control and Fear of Missing Out as Mediators. *Journal of Educational, Health, and Community Psychology*, 13(1), 170-200. <https://doi.org/10.12928/jehcp.v13i1.28244>
- Theiss, J. A., Haverfield, M. C., Jones, H. E., & Austin, J. T. (2023). An analysis of turn transitions and conversational motifs in parent-adolescent emotion-focused interactions. *Communication Methods and Measures*, 17(4), 347-367. <https://doi.org/10.1080/19312458.2023.2219889>
- Weber, S., & Lynch, S. (2026). Interpersonal violence, emotion regulation, and trauma-coping self-efficacy as predictors of posttraumatic stress disorder, substance use, and risk engagement among women in jail. *Journal of Interpersonal Violence*, 41(1-2), 26-47. <https://doi.org/10.1177/08862605241307227>
- Weed, N. C., Butcher, J. N., McKenna, T., & Ben-Porath, Y. S. (1992). New measures for assessing alcohol and drug abuse with the MMPI-2: The APS and AAS. *Journal of Personality Assessment*, 58(2), 389-404. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5802_15
- Williams, K. E., Chambless, D. L., & Ahrens, A. (1997). Are emotions frightening? An extension of the fear of fear construct. *Behaviour Research and Therapy*, 35(3), 239-248. 10.1016/S0005-7967(96)00098-8
- Wood, E. E., Liang, Y., Moon, T. J., Hill-Kapturczak, N., Wasserman, A. M., Roache, J. D., ... & Dougherty, D. M. (2025). Social and environmental predictors of youth alcohol and cannabis initiation risk: The moderating role of family history of substance use disorders. *Substance Use & Misuse*, 60(3), 403-413. <https://doi.org/10.1080/10826084.2024.2434007>